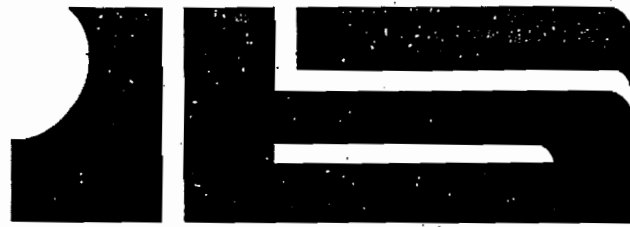


قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۴

تنها شوراهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سایر اقشار خلقی نگهبان یک قانون اساسی مترقی و مردمی بشمار میروند

قرار می‌دهیم. چارچوب و قالب فصل شورای نگهبان، پیش‌نویس قانون اساسی ایران (اسول ۱۲۲ تا ۱۲۷) از فصل نهم قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه (اسول ۵۶ تا ۶۳) گرفته شده ولی روح و محتوای آنرا اصل دوم متمم قانون اساسی سابق (عهد مشروطیت) تشکیل می‌دهد. قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه بوسیله دوگلد پرفرانسوا گناتته شد. پاره‌ای از محققان روی کار آمدن مجدد دوگلد را یک کودتای تمام عیار دانسته‌اند و لسی کتسر محقق بلژیکی درباره شیه کودتا بودن آن تردید کرده است. دوگلد ۱۹۵۸، دوگلد ۱۹۲۵ بود، اینبار او بقیه در صفحه ۵

هر قانونی که منافع کارگران و زحمتکشان شهروستان را زیر پا بگذارد و حقوق خلقها را نادیده بگیرد، فقط بر روی کاغذ موجودیت خواهد یافت. ما در مقالات گذشته به‌پاره‌ای از مباحث و اصول پیش‌نویس قانون اساسی برخورد کردیم و شورای نگهبان قانون اساسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نیروهای سیاسی با چه موضع و با چه هدفی در انتخابات شرکت می‌کنند

قسمت دوم در بخش اول این مقاله که در شماره پیش به‌پای رسید به‌پای رسیدیم. نیروها اشاره کردیم. در این بخش از حزب توده و جبهه ملی صحبت می‌کنیم.

برای شناخت ماهیت واقعی حزب توده، نگاه کوتاهی به‌گذشته آن می‌کنیم: سران حزب توده که پس از عقب نشینی و فرار متضامنه‌شان، بعد از کودتای تنگین ۲۸ مرداد، سبب تثبیت رژیم شاه و سرخوردگی



در پیش‌نویس قانون اساسی، حقوق کارگران، دهقانان و زحمتکشان با همال شده‌است

درباره سیستم سیاسی جامعه و پیش‌نویس قانون اساسی

وظیفه مقدم هر انقلاب و از جمله انقلابات دموکراتیک و رهائی‌بخش، درهیب کوییدن ارگانهای سیاسی و نظامی همراه با آن نابودی کل روابط و ساختمان سیاسی جامعه است. چنین کوششی که لازمه بیان‌گذاری اقتصادی سالم و آزاد و نوین است در پیشانی وظایف انقلابیون قرار می‌گیرد. ویژگی سیاسی جامعه جدید که با انقلاب دموکراتیک و رهائی‌بخش ساختمان آن آغاز می‌گردد در دو اصل و دو نکته اساسی خلاصه می‌گردد. ما متقنا به این دو نکتت که نقش تعیین کننده‌ای را در سیستم سیاسی جامعه‌ای بقیه در صفحه ۴

چه کسانی چماق بدستها و چاقو کش‌ها را برای پاره کردن اعلامیه‌ها و حمله به نیروهای انقلابی بسیج می‌کنند

در شریعی که دولت با اختراع مجلس «خبرگان» و محدود نمودن نمایندگان این مجلس، همراه با شیوه انتخابات غیر دموکراتیک عملا مانع از شرکت فعال مردم و نمایندگان واقعی آنها در تدوین قانون اساسی شده است. در شرایطی که دولت بدشمنی با شوراهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان، کارمندان، ویرسئل انقلابی بر خاسته، و با تهمت زدن به نیروهای مترقی و انقلابی، به توطئه چینی و پیش‌نویس و برنامه های جعلی و تحریف شده از طریق بلندگوهای خود به‌پایمال. کردن حقوق دموکراتیک مردم از جمله حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران پرداخته است. و عملا مانع ایجاد شرایط دموکراتیک برای انتخاب نمایندگان واقعی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شده است، انتخابات مجلس به اصلاح «خبرگان» برگزار می‌شود. در چند روز گذشته همجا گروههای محدودی از عناصر مزدور شناخته شده با تحریک افراد ناآگاه و با حمله به اجتماعات و سخنرانیها، با پاره کردن اعلامیهها و تراکت‌های نیروهای انقلابی، جلو مبارزه انتخاباتی آنها را سد نموده‌اند. نحوه عمل این گروههای مزدور نشان می‌دهد که آنها بدشکلی کاملاً سازمان یافته و رهبری شده عمل می‌کنند. این گروههای مزدور فالانز که ساواکیها و سپاهیانهای رژیم گذشته در میان آنها فراوان است توسط سازمان جاسوسی آمریکا یعنی سیا سازماندهی و توتیت می‌شوند. آنها که تا دیروز با خدمت پساواول و رژیم شاه به مردم خیانت می‌کردند، امروز با شیوههای دیگر به‌اربابان خود خدمت می‌کنند. متینگ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روز دوشنبه هفته پیش در دانشگاه تهران از جانب این عناصر مزدور مورد حمله قرار گرفت. چند نفر از هواداران سازمان مجروح و در بیمارستان بستری شدند یکی از کارگران را با چاقو مجروح کردند. در روزهای اخیر متینگهای انتخاباتی سازمان در شهرهای آمل، بابل و... مورد تهاجم این عناصر معلوم‌الحال قرار گرفت که مانع اجرای برنامه سخنرانی کاندیداهای سازمان گردید. در این میان دولت بقیه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا چگونه عمل می‌کنند

در جنبش انقلابی دوسال اخیر، که اقتیاد و طغیان انقلابی خلق یاخاستند و مستقیماً به‌رزم سلطنتی هجوم بردند، بخش بزرگی از نیروهای انقلابی، قدرت امپریالیسم جهان‌نوا را پشت سر رژیم دیکتاتورانه به‌همین جهت آنها شمارهای چون «مرگ بر امپریالیسم» یا «بد از شاه نوبت آمریکاست» را مطرح کردند و کوشیدند تا روز بروز توده‌های هرچه وسیعتری را به‌آن شماره آگاه سازند. پس از فرار شاه و سرنگون شدن رژیم سلطنتی، ادامه انقلاب قطبیک منتهی‌توانست داشته باشد: «دموکراسی کامل سلطه امپریالیسم». امروز هم خلقها سازمانها و نیروهای انقلابی در راه رسیدن به این هدف مبارزه می‌کنند. اما شناخت دقیق وضعیت امپریالیسم و آگاهی نسبت به طرح‌های سلطه جویانه امپریالیسم، بقیه در صفحه ۴

«سازمان چریکهای فدایی خلق ایران»

برای دفاع از خواستهای کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان خلقهای ایران کاندیداهای خود را برای مجلس بررسی قانون اساسی در سراسر ایران معرفی می‌کنند:

- تهران
 - ۱ - حجت‌الله رئیسی - کارگر پالایشگاه تهران - (فدائی خلق)
 - ۲ - رقیه دانشگری - (فدائی خلق)
 - ۳ - مصطفی منلی - (فدائی خلق)
 - ۴ - مهدی حاج‌قاضی تهرانی - (کارگران پیشرو)
- آذربایجان شرقی
 - ۱ - نعمت‌الله محمدی گلپین - کارگر کارخانه‌سازی تبریز - (فدائی خلق)
- آذربایجان غربی
 - ۱ - محمدنور سلطان بوکانی - معلم - (فدائی خلق)
- کردستان
 - ۱ - بهروز سلیمانی - (فدائی خلق)
 - ۲ - صرام‌الدین صدوق‌زیری - حقوقدان - (سازمانهای سیاسی کردستان)
- خوزستان
 - ۱ - ناصر خاکسار - کارگر فولادسازی اهواز - (فدائی خلق)
 - ۲ - نسیم خاکسار - معلم (شاعر و نویسنده) - (پیشگام)
- گیلان
 - ۱ - محمدرضا جوشنی املی - پزشک - (فدائی خلق)
- مازندران
 - ۱ - شیرمحمد درخشنده توماج - کشاورز - (کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن)
 - ۲ - عبدالحکیم مخوم - معلم - (کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن)
 - ۳ - فردوس جمشیدی رودباری - پزشک - (پیشگام)

بیست و ششمین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

دولتی بوجود آمد که بسزودی رودروزی امپریالیسم غارتگر آمریکا قرار گرفت. پیروزی انقلاب کوبا نقطه عطفی بود در رشد و اعتلای جنبشهای آزادیبخش در امریکای لاتین. ما بیست و ششمین سالگرد انقلاب کوبا را به‌سخت قهرمان کوبا شادباش می‌گوئیم. خلقهای ایران سالگرد انقلاب کوبا را گرامی میدانند و بخود را در تداوم مردم کوبا شریک میدانند.

اضافه کاری شیوه‌ای برای استثمار هر چه بیشتر کارگران

سرمایه‌داران برای بدست آوردن سود بیشتر از هر وسیله‌ای استفاده میکنند. همین سودجویی باعث میشود که آنها به‌دورزش اضافی که از استثمار کارگران در ساعات کار عادی (مثلاً هشت ساعت کار در ایران) بدست می‌آورند، قانع نباشند و کارگران را با حیل‌های گوناگون وادار به اضافه‌کاری کنند. در بعضی از کارخانجات همان روز اول از کارگران تمهید می‌گیرند که روزی ۱۲ ساعت کار کنند (۴ ساعت اضافه‌کاری با ۳۵ درصد اضافه حقوق). درجای دیگر رفت و آمد سرویس‌ها و ساعت صرف غذا را طوری تنظیم میکنند که کارگران عملاً مجبور به اضافه‌کاری شوند. از طرف دیگر مزد کارگران برای ساعات کار عادی آنقدر ناچیز است که کفاف معاش زندگی آنها را نمیدهد و آنها برای تأمین معاش زندگی خود اجباراً تن به اضافه‌کاری میدهند. با یک محاسبه سرانگشتی بی‌مهرم که چرا سرمایه‌دار اینقدر مشتاق است که کارگران با دریافت ۳۵ درصد اضافه‌کاری، روزی ۳-۴ ساعت بعد از شیفت یا روزهای تعطیل را کار بقیه در صفحه ۴

در پیش‌نویس قانون اساسی - با تأیید مالکیت سرمایه‌داران و زمینداران حقوق کارگران، دهقانان و زحمتکشان و همه خلقهای ایران پایمال شده است. ما می‌گوئیم: تمام سرمایه‌ها و شرکتها و اراضی سرمایه‌داران و زمینداران چپاولگر داخلی و خارجی باید بنفع زحمتکشان مصادره گردد.

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

کارگران سخن می گویند:

قانون رسیدگی به جرائم ضد انقلاب بوی انحصارطلبی و وابستگی می دهد

رقتا، من یک تکبیس هستم، می خواهم درباره این قانون شایسته ماده ای که باصلاح برای شد انقلاب تدوین کرده اند، بحث کنم. من معتقدم که باید یک افشاکاری صحیح از قوانینی که تدوین شده و تدوین می شود، کرد. یکی از آنها همین قوانین شایسته ماده ای دادگاههای رسیدگی به جرائم ضد انقلاب است.

این قانون ماهیت ضد کارگری دارد، در یکی از ماده های آمده است که هر کسی در داخل کارخانه ها و یا کارگاهها، کارگران را وادار به کم کاری یا اعتراض و احتساب بکند که به امور اقتصادی کشور لطمه وارد آورد، طبق قانون با او رفتار می شود و از ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود. به هر کارگری که برای کوچکترین خواسته سنی خود دست به اعتراض این حربه مهم کارگری بزند ۱۵ سال زندان محکوم می شود. در اینجا، حق اعتصاب برای کارگران قائلانده، ولی ما واضح می بینیم که این حق از کارگران ما گرفته شده است. کارگران در مبارزات گذشته خود، بدون اجازه کارفرما و یا دولت حاکم دست به اعتصاب می زدند مثلا می توانیم اعتصاب پشتکوب کارگران نفت را مثال بیاوریم. که بطور رژیم شاه خائن را پزوانو در آورد و به نابودی کشید و همین اعتصاب بود که اگر ادامه پیدا می کرد، اقتصاد کشورهای امپریالیستی را با بحران روبرو می کرد که تا حدودی هم کرد. و حالا خیلی خفندار و بی شرمه است که بخواهند این حق کارگران را با مادیگی زسریا بگذارند و نادیده بگیرند. البته ما هیچ انتظاری نمی توانیم از اینها داشته باشیم که باصلاح بیایند و قوانین کارگری را تدوین و تصویب کنند. دولتی که خود بورژوازی واز بورژوازی وابسته حمایت می کند، هیچ وقت نمی تواند منافع خود و حامیانش را نادیده بگیرد. و تمام قوانینی را که تدوین می کند، بطور کلی حاکمیت کارفرمایان و استثمار کنندگان را بطور مشخص تشیی می کند. و اگر غیر از این است که باید تشکیلات کارگران پیشی شوراهای کارگران از طرف دولت و وزیر تحمیلی کار و امور اجتماعی به رسمیت شناخته شود. بکه شناخته نشود هیچ، حتی به هیاتهای مختلف از تشکیلات کارگری جلوگیری می کنند. کارگران فقط با تشکیلات خود می توانند به تمام خواسته های حق خود برسند.

در ماده دیگر این قانون، حقوق حقه خلقها را هم زیر پا گذاشته اند خلقهای ما که برای رسیدن به خواسته هایمان آن همه مبارزات خونین را پشت سر گذاشته اند، حالا در این زمان باصلاح انقلاب خواسته های حق خود را مثلا خود مختاری را اگر مطرح کنند، آنرا وارونه جلوه می دهند و اتهام می بینند و با آنها می چسباند. و با این اتهام به خبیثان خودشان خلق های مبارز را با این قانون ضد انقلاب، سرکوب می کنند. با این تیزه و تحویل سده، می توان گفت که قوانین فاسدی میج فرقی با قوانین قبلی ندارند و بوی انحصار طلبی و وابستگی می دهند...

بقیه از صفحه ۱

چه کسانی چماق بدستها و چاقو کوشها را...

بطور کامل این گروههای فئار را مورد تائید و پشتیبانی قرار میدهد و دست آنها را کاملا باز گذاشته است تا به تکبیرترین روشها بر علیه نیروهای انقلابی و مترقی موصول شوند. در پاره ای موارد کمیته های نیز گمانی را که اعلامیه نیروهای مترقی را تحسین می کرده اند بازداشت نمودند و همچنین یکی از هواداران سازمان که اعلامیه و تراکت انتقالاتی را به خوزستان می برد توسط کمیته بدلیل همراه داشتن تراکت و اعلامیه بازداشت شده است. همه این حوادث نشان می دهد که دولت و دیگر نیروهای که از آگاه شدن مردم سوخت ندارند تمام وسائل و امکانات و از جمله فوجین گروههای فلاله مزدور را به خدمت گرفته اند تا مایع از آن شوند که سازمانهای مترقی به آگاه کردن مردم بپردازند. زیرا که آگاهی تو دوما و بیدارت آنها به ماهیت قانون اساسی و مجلس خبرگان، ماهیت دولت و انحصارگرایان را برای تو دوما افشا خواهد کرد. دولت عوامفریبانه می گوید که بخدمت نشان دهد شرایط حکمرازی که برای همه نیروها فراهم است و حال آنکه در عمل شرایطی کاملا غیر حکمرازی را فراهم کرده است. هنوز اعلامیه ای بر روی دیوار نصب نشده است که پاره می شود افراد را به پشت داشتن تراکتهای انتقالاتی بازداشت می کنند و به اجتماعات مردم با چاقو و چماق حمله می کنند. کسانی که در مقابل مطلق محکم و لیبروند نیروهای انقلابی مطلق چماق و چاقو را برمی گردانند و در کشنگی ایبولوژیک خود را نشان می دهند. آنها که عملا چیزی برای گفتن به توده های مردم ندارند و هر روز بیش از پیش لائوتانی و زبونی خود را نشان می دهند به چماق و چاقو و اسلحه موصول می شوند. تا مایع از آن شوند که نیروهای انقلابی و مترقی، توده های مردم را آگاه سازند.

نامه یک کارگر:

چه کسانی از استخدام کارگران اخراجی جلوگیری می کنند؟

در سال ۴۴ بنوان کارآموز در سن ۱۶ سالگی به استخدام راه آهن درآمدیم یکسال بعد از کار متوجه واقعیتهای دردناک و شناخت خبیثتهای پهلوی گردیدیم و به افتخاری پرداختیم. مسئولین بارها ما بنوان اخلاکگر و مسرک کارگران به استنطاق کشیدند ولی از آنجا که مدرکی نبود که ما اخراج نمایند در تنگنای اقتصادی و کاری قرار میدادند. در سال ۵۵ به علت احساسی که از محیط کار داشتیم استعفا داده ولی بعد از مدتی حکم اخراجی ما صادر کردند بدون اینکه یازده سال سابقه خدمتی ما را منظور دارند و با من تسویه حساب نمایند. حال که انقلاب شکوهمند موفق به برانداختن نظام پوسیده گردید برای اعاده کار بنوان، رجوع کردم مسئولین راه آهن به استناد به بنام هیئت وزیران تاریخ ۱۵/۳/۵۸ که حاکی از جلوگیری از استخدام اخراجیها را دارد از پذیرفتن من جلوگیری می نمایند در صورتیکه تقاضای اعاده بکار من در مورخه ۲۴/۳/۵۸ بوده. مسئولین کنونی که همچنان به طبقه کارگر پشت کرده اند و به نفاق افکنی در امور شورای راه آهن ادامه می دهند حتی به بگتهای دولت خودشان گوش نداده کمندگر می شود: هرگونه اخراج و تفسیح حقوق کارگران در زمان طاغوت باید رفع گردد. پس چرا این رجالهائی رژیم شاهی که می باید تحت پیگرد دولت انقلابی قرار گیرند دوباره مصدر امور واقع شده اند. یک کارگر اخراجی: از آوازه

ضبط «کار» بعنوان اسلحه قاچاق

شیراز - در تاریخ ۲۹/۳/۵۸ دو کارکن حای روزنامه «کاز» که از تهران به شیراز فرستاده شده بود، در اسفهان بوسیله افراد کمیته بدلیل واهی کشف اسلحه توقیف شد و سپس در شیراز، دولت از هواداران سازمان که برای تمویل گرفتن روزنامه به کاراز مراجعه کرده بودند از طرف کمیته شیراز که با کمیته اسفهان در ارتباط بود به اتهام دروغین قاچاق اسلحه بازداشت شدند. این دولت ۲۵ ساعت در بازداشت بسربردند و خانه های آنان نیز مورد تفتیش قرار گرفت.

بقیه از صفحه ۱

اضافه کاری شیوه های برای استثمار...

طبق استخدام کارگر جدید تعیین کنید، سود می برد. سود سرمایه دار از اضافه کاری کارگران بهیمن مبلغ ختم نمی شود بلکه شامل موانع نیز می شود. ۱- در مثال بالا دیدیم که کارفرما با واداشتن کارگران به ۳ ساعت اضافه کاری در روز، مقدار تولید را که باید با ۳۰۰۰ کارگر صورت گیرد با ۴۰۰۰ کارگر انجام میدهد. باین ترتیب که بجای ۳ شیفت ۸ ساعت، ۲ شیفت ۱۲ ساعت تولید میکند. یعنی هر دو کارگر با بجای ۳ کارگر با ساعت کار عادی کار میکنند در نتیجه یک هزار نفر به دوازده بیکاران اضافه میشود که این خود عامل مهمی در پائین نگاهداشتن مزد کارگران شاغل است. بدین ترتیب که وجود دوازده نفر غیره کاره که در ذات نظام سرمایهداری است، همیشه کارگران شاغل را تهدید می کند. زیرا کارگر میدانند که بعضی اعتراض به کمی حقوق و شرایط کار، اخراج میشود و بجای او از نیروی کار کارگران بیکار با قیمت ارزاتر استفاده می شود. بهیمن دلیل کارگر به دستزد پائین تن میزند. ۲- در قانون کار رژیم سابق محاسبه اضافه کاری جزء سابقه کار کارگران در نظر گرفته نمی شود. بنابراین کارگری که روزی ۱۲ ساعت کار میکند بعد از گذشت ۸ سال درواقع باید ۱۲ سال سابقه کار برای در نظر گرفته شود. ولی کارفرما همان ۸ سال را منظور میکند و ازین طریق هم سود کلانی بهیمن میزند. ۳- سرمایه داران همیشه سعی دارند تولید را هرچه ممکن است بوسیله تعداد کثرتی از

نامه ای از کارگران سندج به مردم مبارز سندج

هنوز چند ماه از آن تکلته بعون اصلی انقلاب پشت میکنند چرا راه دوری برویم. کارگر میدانند که همین آقای وکیل چه خوش غنچه های که برای کارفرمایان بر ضد طبقه کارگر انجام نداده است؟ هنوز پادمان زلفه که در دوران دیکتاتوری شاه چگونگی با ختم فروخورده از اتاق مدیر کل های ضد کارگر اداره کار بیرون می آمدیم و اگر کوچکترین اعتراض می کردیم ما را از اسواک و شکنجه در زندان می رساندند. این مدعیان انقلاب خبیثت نمی کنند که همان دستکارهای ضد کارگری رژیم سابق را تکرار میکنند کیست که تا بحال بپرد دل کارگران واقعی که با در محیط کار در زیر چکمه های کارفرما له میشوند و یا در حال تحسین و اعتصاب هستند گوش داده باشد بجای آن ظهرا با کسی صاحب میکنند که عامل کارفرماست و نماینده واقعی کارگران نیست تازه در همین صاحب دروغین نیز حرفهای پوچی را بر زبان او می گذارند که عینا تکرار کند زهی پیشیها!

شرح خیانتها و همدستیهای اداره کار با سرمایه داران خونخوار یکی دوتا نیست... در ایام چند گانه با آقای وکیل حرفی شما که فرد زمیندار هستید که سالیات با سرمایه داران پیوندی نزدیک دارید و در رژیم سابق برای کسب مطلق بضع دولت آریامه ری تبلیغ می کردید و هم اکنون نیز به نام اسلام و جمهوری اسلامی در پشت خود باقی ماندید آقای مدیر کل شما را به حمل مشکلات طبقه کارگر چه کار، هنوز هم راننده اداره به تنظیم درب ماشین را برایتان با می کند از فری مثل هوا انتقاری نداریم مضر گرداندگان دستگاه هستند که حتی وقتی مردم انقلاب میکنند تا ریشه امراضی مثل شما را بکنند ما را به چنین زندگی فلاکتباری دچار می سازند با وجود این بعضا و امثال شما همدار می بینیم که طبقه کارگر بیدار شده است و به حقوق خود آگاه است و هرگز اجازه نمی دهد شما و امثال شما در راس قدرت باقی بمانید. مسرک بر استمارگران، ستم پیشگان و نوکرانان درود بر کارگران زحمتکش که نیروی شکست ناپذیر انقلابند

هسته های مبارز! ما کارگران زحمتکش اقتدار میکنیم که همگی ساخته و پرداخته دست ماست. مگر ما وسایل رنجبران نیستیم که تولید کننده همه ثروتها می باشیم؟ از قدیم گفته اند کارگر قلب، روح و شیرجه ناممکن است. ولی بیبینم در برابر اینهمه رنج چه چیزی عاید ما میشود، ما تولید می کنیم سرمایه داران بهیچ میزاند ما خون دل میخوریم آنها با خون ما چهره خود را گلگون میسازند. بهیروی زحمتکشان بود که بهیباط رژیم منظور پهلوی برای همیشه خاتمه داده شد. رفقا و برادران ما بودند که در کردستان و آذربایجان و خوزستان وسایل نقاط ایران سینه بر از کتبه خود را جلوی رگبار مسلسل سیر کردند و مردانه و شرافتمندانه جان دادند. ما انقلاب کردیم ولی هنوز خونمان و عرفمان خشک نشده بود که زانوهای خون آشام سر رسیدند تا لفتها از میوه انقلاب بغیرند بلکه پیش از گلته خون ما را بکنند و بهیرض هرچه کارگر زحمتکش است بکشند. در زمان دیکتاتوری محمد رضا شاهی ساواک، ارتش، شهربانی و ژاندارمری کارگران مبارز را اخلاکگر و غورشی میخواندند اکنون نیز همین کار را میکنند در زمان پهلوی قانون کار بطور موزیانه ای جنایات کارفرما را بر حق جلوه میداد، امروز هم همینطور. در آن زمان حق نظوم را به ظالم میدادند حالا هم می دهند. آرزو ادارات کار عامل دست کار فرما بود، امروز نیز چنین است. حتی زبانیی که در نظر میگرفتند برای این بود که طبقه کارگر را با چند غازی دلخوش کنند و از گرفتن حقوق واقعی خودشان بازدارند. و حقیقتا است که بعد از انقلاب نیز همان قانون ضد کارگری کار اجرا میشود. همین شهر خودمان را در نظر بگیرید: آقای وکیل رئیس اداره کار که یک عمر به طاغوت خدمت کرده است و جنایات او علیه کارگران و نوکری به سرمایه داران بر هیچکس پوشیده نیست اکنون در پشت ریاست اداره کار باقی مانده است. ما می بینیم چگونه کسی می تواند در رژیم شاه بدون موافقت ساواک و سرمایه داران به چنین مقامی برسد پس این همه گفته دادیم برای چه؟ که حتی مهرها هم عوض نشوند که وضع زندگی کارگر از زمان طاغوت هم بدتر شود! واقعا که دستخوش این چه انقلابی است که

نامه یک کارگر بیکار:

در این دولت کسی نیست که از کارگران دفاع کند

اینجا با اسماعیل م. مدت ۲۵ سال بود که در مهیاد زندگی می کردم و چند جا است که بهیمرافه رفتم و در آن جا سکونت دارم. ارسال مدت همام در شرکت ایران «دیتا» واقع در چند کیلومتری مهیاد کار می کردم و پس از انتام کار کل مزد من در تقایم ۳۵ هزار تومان می شد که بالاخره بعد از چندماه دولدی توانستم نصف آنرا بگیرم و بابت نصف دیگرش یک چک ۱۵ هزار تومانی توسط صاحبدار و رئیس شرکت به ما داده شد. که بعد از سماء دریافت کنیم در صورتی که وقتی به بانک رفتیم چک برگشت خورد و قلابی بود. به شرکت مراجعه کردم گفته پول نداریم هر کاری دلت می خواهد بکن. ما را بیرون کردند و چندبار به ما دسترسی مهیاد مراجعه کردیم. بعد از بارها مراجعه به ما دسترسی داستان گفت کاری از دست من ساخته نیست... برو هر جا دلت می خواهد بگو. در ضمن بدایار وقت که اکنون داستان شورای انقلاب مهیاد است بهما گفت چسبون طرف شما اینجا نیست ما نمی توانیم کاری برای تو انجام بدهیم. برو فننگه بفرو و بداش کن و بکش. گفتم اگر پول داشتم که فننگه بفروم اینجا چه کار می کردم.

بعد از این همه بیکاری و چند ماه موندگی بالاخره در مهیاد بهیادگاه مراجعه کردم. دادیار با سبببیت گفت: منحنسی که تو از او شکایت کردی کارهای تهران است من در جوابت گفتم حاشی که هست صاحبدارش هست. از آن گذشته من با شرکت طرف هستم و شرکت در حال حاضر بمنول کار است و چون کارگران دیگری که مثل من مشتاقان را خورده اند از این شرکت شکایت کرده اند. اکنون وضع زندگی من در مهیاد خبیسل غراب است از پارسل بیکار هستم پسری دارم که در سن شایسته سالگی در مقام ۲۵ تومان اجرت روزانه. به کارگری مشغول است و زندگی پر مشقتمان را با این ۲۵ تومان می گذرانیم. چندین بار به دادار. کاربایی مراغه رفتیم و درخواست وام نمودم با وجود این که در شرکت بیه و کارت کارگری پارسل را که در شرکت ایران «دیتا» بهم داده اند. دانستم از دادن وام بهم خودطاری نمودند گفتند برو از مهیاد گواهی بیاور. در مهیاد اداره کار بهم گفت برو شرکت و با بهادار بیه بگو. در شرکت واداره بیه هم جوابی بمن ندادند. حالا می فهمم که واقعا برای کارگران هیچ چیزی تغییر نگرفته است و در این دولت کسی نیست که از کارگران دفاع کند.

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم



کارگران حفاری: اجازه نمی دهیم شرکت های آمریکائی سرنوشت ما را تعیین کنند

اهواز - کارگران شرکت حفاری «دینک» اند پیش، ضمن انتشار اعلامیه ای به توجیه دولت و مسئولان شرکت را به خواستهای خود محکوم کرده و گفته اند: در حالیکه شرکت «دینک» اند پیش، را تعطیل کرده اند شرکت «دوریک» سدکوه را بکار انداختند تا سهم منافع سرمایه داران آمریکائی تأمین شود و هم از «شر» کارگران مبارزی که سالها سابقه کار دارند غلظت شوند این اقدامات خودسرانه که از طرف شرکت آمریکائی انجام میگردد چیزی جز بی توجهی به خواست ما نیست. اکنون دیگر بر ما روشن شده است که بی توجه نباید منتظر این باشم که کارفرما به خواستهای ما توجه کند. دولت هم که باید جلوی بیکاری ما را بگیرد مهر بست بگیریم.

باز هم سودجویی کارفرما باعث مرگ کارگری شد

ساعت ۳ بعد از ظهر پنجشنبه ۲۱ تیرگی از کارگران کارخانه کاشی سدی به وضع فیزیکی کشته شد و یکبار دیگر خون یکی از زحمتکشان در راه انباشت شدن هرچه بیشتر ثروت سرمایه داران شد کارگر بزمن رخت.
«لطفعلی که دنیا علی پور» اهل ماکو (آذربایجان) که زن و ۶ فرزند داشت فقط ۲۵ روز بود که به استخدام کارخانه کاشی سدی درآمد بود. این کارگر را که هنوز با محیط کارخانه و وسایل فنی کار آشنا نشده بود برای اولین بار به قسمتی میفرستند که هیچ آشنایی با آن قسمت نداشته است و همین امر موجب کشته شدنش می شود. این کارگر تازه وارد برای تعمیر یا روغن کاری قسمتی از دستگاه کوزه به زمین میزد. در قسمت زمین کوزه راهرو وجود دارد که برای رفت و آمد و کنترل دستگاههای مربوطه به کار می آید و درای در ورود و خروج است. همچنین یک درجه در زیر ریل واگن حمل

خواسته های کارگران و زحمتکشان بروج کوبی و سدکوبی کازرون

کازرون - کارگران بروج کوبی و سدکوبی شاه امیری کازرون که مدت ۵ سال است در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسا در این کارخانه کار می کنند در پیانه های با استشار و مشایه های که از جانب کارفرما اعمال می شود اعتراض کرده، خواسته های خود را مطرح کردند. این کارگران که از ابتدای ترین امکانات انسانی و بهداشتی محروم هستند مجبورند در هوای آلوده کار کنند و همچنین سبب در معرض خطر امراض ویژی قرار دارند. ساعات کار در این کارخانه ۱۲ ساعت و حقوق روزانه کارگران ۵۵ تومان است. کارگران در پیانه خود وجود این ناانجاریها و شرایط شد انسانی را ناشی ازست طبقاتی دانستند و یادآور شدند دولت جدید که خود را مدعی دفاع از منافع زحمت کشان می داند هیچگونه اقدامی در جهت از بین بردن این مست طبقاتی و فراهم آوردن رفاه

اخبار کوتاه کارگری

* تبریز - کانون کارگران بیکار و اخراجی و اتحادیه کارگران پروژه ای تبریز طی اجتمای خواستهای کوتاه مدت زیر را مطرح کردند و خواهان اجرای آنها از طرف مسئولان شدند:
۱- تأمین کار برای کارگران از طریق بازگشایی کارخانجات و ایجاد کارهای تازه
۲- ایجاد کلاس های مهارت فنی برای آموزش کارگران
۳- در اختیار قراردادن محل مناسب برای اجتناع کارگران

خواسته های ۳۰۰ کارگر شهرداری بانه

بانه - بیش از ۳۰۰ تن از کارگران عمرانی شهرداری بانه که از تاریخ ۵۸۳۲۹۹ به خاطر اعتراض به خطر بیکاری و عدم تأمین زندگی کارگران در ساختمان شهرداری دست به تمسک زده بودند با انتشار قطعنامه ای به تمسک خود پایان دادند. در قسمتی از قطعنامه کارگران شهرداری که به تأیید گروه های سیاسی بانه و سندیکای کارگران این شهر رسیده خواست های زیر مطرح شده است:
۱- ابقای کارگران در کار فاشلاب و عمران شهرداری تا پایان کار و پرداختن حقوق کارگران در هنگام بیماری.
۲- تعطیل روزهای جمعه با احتساب دستمزد روزانه کارگران و تأمین بیمه کارگران
۳- دستمزد کارگران در صورت تمام شدن مصالح ساختمانی در حین کار تا شروع مجدد کار باید پرداخت شود و در صورت واگذاری کار به پیمانکار کارگران بیکار نشوند.
۴- برکناری مسمار شهرداری.

بورسی چگونگی اعتصاب کارگران کارخانه پوشش

رشت - شورای کارخانه پوشش بعد از سقوط رژیم سابق با شرکت ۵۲ نفر نماینده از قشتهای مختلف و ۶ نفر به عنوان هیئت اجرایی انتخاب و تشکیل شده است. از هدف های اولیه شورا پیگیری خواسته های کارگران و اخراج عناصر فاسد و ضد کارگر و مدیریتان وابسته از کارخانه بود.
در رویدادهای کارگری سنی و کوشش کارگران اتحاد در مقابل تفرقه افکنی عوامل کارفرما بود و طی اعتصاب اخیر نیز برای اجرای خواسته های کارگران به همراه شورای کارگری دست از کار کشیدند لیکن ما در این جا شرویدی می بینیم تا نواقص کار شورا را ذکر کنیم: (۱) شورای کارگری اعتصاب را بطور کامل با مسائل کارگران هماهنگ نکرده. و در قسمتهای مختلف در ارتباط با کارگران نبوده است و همین جهت نمایندگان نتوانستند جزئیات را از طریق کارگران به شورا اطلاع دهند (۲) نداشتن کمیته اعتصاب به منظور هماهنگی منظم کار کارگران و عدم وجود سندوق اعتصاب (۳) شورای کارگری می بایست از طریق مجمع عمومی و انتشار اعلامیه های توضیحی با کارگران در ارتباط باشد. شورای کارگری با توجه به خواسته های برآورده شده از جمله ۲۵ ساعت کار در هفته از کارگران خواست تا فلا بر کار بازگردند تا در ضمن کار دنبال خواسته های برآورده نشده را بگیرند.
لازم بیادآورست که کارگران در جریان اعتصاب و تمسک (در دادگستری) موفق شدند به قسمتی از خواسته های خود برسند و قرارداد مذاکره نمایندگان شورا برای بستن آوردن سایر خواسته ها ادامه پیدا کند.
نقل از نشریه (رزم کارگر) شماره ۵-گیلان

کارگران شرکت پرسزیون: سرمایه این شرکت اسرائیلی متعلق به کارگران است

مسجد سلیمان - کارگران شرکت پرسزیون مسجد سلیمان پس از چندبار اعتراض، راهب پیمانی و تمسک برای رسیدن به خواسته هایان درسد تشکیل سندیکای واقعی کارگران برآمدند و خواستار پرداخت قرار گرفتن سرمایه و تجهیزات شرکت اسرائیلی شدند.
شرکت پرسزیون که تا قبل از قیام به ساختمانی تاسیساتی برای ارتش (خانه فرودگاه و...) اشغال داشت يك شرکت وابسته است که ۴۶ درصد از سهام آن متعلق به اسرائیلی ها و بقیه آن متعلق به شاهپور و غلامرضا و تیمورتاش بود. اکثر کارگران این شرکت را روستائیان مهاجر بختیاری، ترک و کرد تشکیل می دهند. کارگران شرکت پرسزیون که سالها در بدترین شرایط در يك محیط فاشستی و بی حقوق ناچیز تحت استشار قرار می گرفتند با اوج جنبش توده ها، در مهرماه ۵۷ دست به اعتراض زدند و برای بهبود وضع خود خواستار ۳۵ درصد اضافه حقوق، دریافت حق ایاب و نهاب و مسکن و خواربار شدند. اما این اعتصاب بدلیل عدم تشکیل کارگران به نتیجه ماند تا اینکه کارگران یکماه بعد با اعتصاب مسجد

دوم پرسیدن به پستی از خواسته هایشان میشوند قبل از قیام بهمن تعداد زیادی از کارگران اخراج شدند و شرکت به حالت نیمه تعطیل درآمد و با فرار شاهپور و غلامرضا و سهامدار اسرائیلی بنام «فرانک» این شرکت عملا تعطیل شد. کارگران بعد از قیام برای دریافت حقوق عقب افتاده شان به اداره کار مراجعه کردند و پس از اعتراض ها و راهپیمایی های مختلف موفق شدند ۲۵۰۰ تومان دریافت کنند. کارگران در فروردین ماه برای بازگشت به کار و دریافت حقوق ۸ ماه گذشته در فرمانداری مسجد سلیمان متمسک می شوند ولی نتیجه ای نمی گیرند. در تاریخ ۱۳ تیرماه کارگران تصمیم به تشکیل سندیکای گرفتند تا بتوانند هر چه متشکل تر به مبارزه ادامه دهند. مهمترین خواست های کارگران عبارتست از ملی شدن سرمایه و تجهیزات شرکت پرسزیون و بازگشایی هر چه زودتر شرکت. همچنین سهم شدن کارگران در سرمایه گذاری و درآمد های شرکت بانوجه اینکه سرمایه گذاران اسرائیلی و وابسته به دپار متواری هستند.

کارخانه درخشان: مبارزه کارگران کارخانه درخشان برای تشکیل شورای واقعی

بدون اجازه شورا اعلامیه ای بخش کند. ولی در مقابل این حقیقت که کار ۹۰۰ نفر کارگر هم اکنون بوسیله ۳۵۰ نفر انجام میشود سکوت اختیار میکنند. آقای رئیس شورا شا چه چیزی در این اعلامیه دیدید که بقول خودتان خلاف «خط مشی انقلاب مقدس این واحد تولیدی» باشد. آیا شا بدین وسیله اختناق بوجود نیاوردید؟
در پایان این اعلامیه به روابط تردید قاسم بهمنی رئیس شورا با رضا شکرچیان (کارفرما) اشاره شده است.

کرومن از کارگران کارخانه درخشان تهران ضمن اعلامیه ای اصالح شد کارگری شورای کارخانه و رئیس آن را افشا کرده و از کارگران خواسته اند تلاش کنند تا شورای واقعی کارگران ایجاد شود.
در این اعلامیه آمده است: اگر دوستان کارگر دقت کرده باشند بازهم مداخله در امور کارگران، اما این بار از طریق شوروی به اصطلاح انقلابی، به چشم می خورد. این شورا در مقابل يك اعلامیه افشاکرانه عکس العمل نشان داده و میگوید: هیچ کارگری حق ندارد

حقوق عقت افتاده کارگران شهرداری بابل را بپردازید

بابل - کارگران شهرداری بابل، برای دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده که بین ده تا بیست هزار تومان برای هر نفر می شود برای چندین بار در تیرماه دست به اعتصاب زدند و جلو شهرداری جمع شدند و اعلام کردند تا گرفتن حقوق حقه خود به اعتصاب ادامه خواهند داد روز اول جوابی به آنها داده نشد روز دوم گروهی به منظور برهم زدن اعتصاب با بلندگو مردم را علیه کارگران بسیج کردند گروه دیگری نیز به سرکردگی

یک نفر بازاری میخواستند با شمار مرگ بر رفتگران راهپیمایی کنند. اعتصاب در انر فشار عناصر مرتجع و عدم وجود سندیکای و نمایندگان پیگیر به نتیجه لازم فرسید و قرار شد کارگران مقداری از طلب خود را دریافت کنند و بقیه را در ماههای آینده بگیرند.
کارگران از این وضع ناراحت و خشمگین بودند و علیه مرتجعان و مسئولان شهرداری شمار می دادند.

معرفی چند نشریه کارگری جنوب

در سرمقاله نخستین شماره پالایش آمده است: «...تها نیروی پیگیر در مبارزه علیه امپریالیسم کارگرانند که باید از طریق ایجاد تشکیلات مستقل از قبیل سندیکا، شورا، اتحادیه و سازمانها و احزاب کارگری، تمام نیروهای جامعه را تحت رهبری خود بسیج کنند. از این رو ما وظیفه خود می دانیم، در این شرایط بحرانی با ارائه نشریه پالایش ریشه های مسائل کارگری را در پرتو کشف های فکری و حرکت های کارگری آنها بازشناخته و آنرا بگوش همگان برسانیم»
همچنین نشریه «رزم کارگر» از جنبان هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق در گیلان از اوایل ماه گذشته منتشر شده. این نشریه که بطور مرتب به چاپ می رسد آخرین شماره رویدادهای کارگری منطقه را همراه با تحلیل و بررسی منتشر می کند.

کارگران جنوب به ویژه کارگران صنایع نفت و فولاد در چندماه گذشته چندین نشریه کارگری منتشر کرده اند. در این نشریات خیرها و مسائل کارگری و شوراها تحلیل های اقتصادی و سیاسی و گزارشهای مختلفی از رویدادها و مسائلی که در صنایع و کارخانجات جنوب می گذرد و همچنین افشاکرانه مقامات و عوامل ضدکارگر به چاپ رسیده است.
از جمله نشریات کارگران جنوب، نشریه نفت، پالایش، فولاد (نشریه کارگران پیشرو صنایع فولاد)، نورد (نشریه کارگران پیشرو نورد هواوز) از چندماه پیش بطور مداوم منتشر شده است.
در نشریه نفت سلسله بحث هایی تحت عنوان «امپریالیسم را بهتر بشناسیم» به چاپ رسیده که مطالب علمی و آموزشی را دربر دارد. در این نشریه مبارزات کارگران حفاری علیه شرکت های نفتی امپریالیست، تشریح شده است.

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که می توان صنایع، بانکها و شرکت های وابسته را ملی کرد

درباره سیستم سیاسی جامعه و پیش نویس قانون اساسی

آزاد و دموکراتیک دارد اشاره ننوده و سپس بخشی از پیش نویس قانون اساسی که باین امر مربوط میشود را با آن مقایسه خواهیم کرد. چنین مقایسه‌ای بهترین شاخص در تعیین ماهیت پیش نویس قانون اساسی از نظر نهایی خواهد بود.

دو خصوصیت مذکور عبارتند از: ۱ - سیستم سیاسی و دولتی که محصول انقلاب دموکراتیک است، می‌باید بیان کننده اراده و عزم مستتر توده‌های وسیع خلق یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان، کسبه و پیشه‌وران باشد. سیستم سیاسی جدید باید مظهر وحدت داوطلبانه خلقهای جامعه بوده و حق تعیین سرنوشت آنان را بر سر می‌نشاند.

اگر قانون و دولتی که سیاستهای مبتنی بر آن است هدف جز هدف فوق را در نظر قرار ندهد، نه آن قانون و نه دولتی که مجری آنست، انقلابی نخواهند بود. بلکه قانون و دولت متشی سرمایه‌دار و مملکت خواهند بود. ۲ - دولت و تمام ارگانهای حاکمیت انقلابی می‌بایست بر نهادهای دموکراتیک استوار گردد.

فوق‌الذکر این است که توده‌ها یکبار و برای همیشه مجبور خواهند بود که به قانون اساسی تدوین شده از جانب عده‌ای غیره در فرآیند جواب آری یا نه داده و سپس بزندگی آنکه از فقر و رنج و بدو از سیاست خود ادامه دهند. زیرا بزعم آنان زندگی سیاسی مربوط به توده‌ها نبوده بلکه مربوط به عده‌ای غیره است. زیرا از نظر آنان توده‌ها حق دارند که تنها بر سر می‌نشینند یکبار از آن جهت که چه کسانی از نمایندگان سرمایه‌داران و ملاکین بزرگ حقوق آنان را پایمال نموده و مویجات فقر و سیروزی آنان را بیش از پیش فراهم نمایند.

در اصل فوق‌الذکر اگر بر سازمانهای مردمی و شوراهای خلق اشاره‌ای شده و بعد چگونگی امر را با عبارت «به تدریج» که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص میشود حل و فصل کرده، مابتنالی نبوده‌اند ممانعت که نویسندگان چنین قانونی هیچ اعتقادی به نقش توده‌ها در تعیین سرنوشت خویش ندارند که این خود معلول حفظ و حرمت منافع طبقاتی، بورژوازی است.

در مقابل قدرت واقعی و همه قدرت‌های توده‌ها بر تئیس جمهور تفویض میگردد. به پیش مربوط به رئیس جمهوری و بزرگه به‌اصول ۷۵ همین متن توجه کنید: «رئیس جمهوری بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین‌المللی و اجرای قانون اساسی است و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد».

در این اصل و در همه اصولی که در مورد اختیارات رئیس جمهوری آورده شده آشکارا همه قدرت یک دیکتاتور و سرکشی نابودی همه نیروی حرکت حق دموکراتیک مردم بیک فرد تحت نام رئیس جمهوری داده شده است. از همین اصول می‌توان به مساهبت حکومتی که بر پایه پیش نویس قانون اساسی استقرار می‌یابد پی برد. و این چندان مایه تعجب نخواهد بود، حاکمیت کنونی خیلی پیش از این، در خیابانها، در شهر و روستا، با سرکوب جنبش توده‌ای، با سرکوب کارگران، دهقانان و زحمتکشان با سرکوب خلقهای ستمدیده، چهره واقعی خود را بنمایش گذارده پیش نویس قانون اساسی و مجلس خبرگان تنها وظیفه قانونی کردن آنرا بر عهده دارد. نتیجه آنکه حکومت علیرغم آنکه شکست جمهوری اسلامی داشته باشد و یا شکل دیگری از جمهوری، محتوای آن یک چیز است و آن حاکمیت متمدنی از سرمایه‌داران بر سرنوشت توده‌های زحمتکش، سهرن در اختیارات به ریاست جمهوری و نماندن آن بجای شوراهای خلق، نابود ساختن هرگونه کنترل و بازرسی انقلابی بر شئون مختلف اجتماعی-اقتصادی و سیاسی، و این یعنی تسلط اختناق برانقلاب، چنین حکومتی نه تنها بیانگر اساسی‌ترین منافع خلق زحمتکش میهنان نیست بلکه برعکس مست حرکت آن در جهت ابقاء هرچه بیشتر و عمیقتر منافع سرمایه‌داران و انحصارگران داخلی و خارجی خواهد بود. جهت تکامل سیاسی این حکومت بهین‌وجه رشد بیش از پیش دموکراسی واقعی نیست بلکه محدود کردن آن و دور نمودن هرچه بیشتر خلق از زندگی سیاسی و بیگانه‌ی آنان از ارگانهای حاکمیت است ارگانهای که از درون مبارزه توده‌ای بیرون آمده و سپس از آن بیگانه شده و بر علیه آن بکار می‌افتند

امپریالیسم آمریکا چگونه عمل می‌کند

جهانی‌امپریالیستی وابسته بودند و هنوز هم هستند. در این جا دو نکته دارای اهمیت است: یکی این که این صنایع و بطور کلی تمام اقتصاد صنعتی و کشاورزی کشور، نه بر پایه‌ی نیازهای واقعی جامعه بلکه بر اساس منافع امپریالیسم جهانی سازمان یافته و گسترش پیدا کرده است و به همین جهت بدون پیوند با این فصول جهانی محکم بمرگ است. دیگر این که خصوصی یا دولتی بودن این صنایع و بانکها اساسا تاثیری در خلعت وابستگی آنها ندارد. همه می‌دانند که در رژیم پیشین بخش بزرگی از سرمایه‌ها و صنایع وابسته، مستقیم و غیر مستقیم، در دست حکومت و وابستگان به خانواده‌ی داری وابسته بورژوازی (اداری) نامیده می‌شدند. پایگاه عده‌ی سلسله‌ی همجانبه امپریالیسم آمریکا بود. اما نکته‌ی بسیار مهم این است که قیام مردم، با این که بخش بزرگی از امپریالیسم سرمایه‌داری وابسته را زیر ضربات مبارزات قرار داد، بسبب خلعت سازشکارانه جناح‌های قدرتمندی از حاکمیت، موفق به منهدم کردن سرمایه‌داری وابسته و قطع همه رشته‌های سلسله‌ی امپریالیسم نشد و امروز آشکارا می‌بینیم که سرمایه‌داری وابسته در جهت تحکیم مواضع خود در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حرکت می‌کند. امپریالیسم می‌داند که سرکشی‌ترین مبارزان ضد امپریالیسم کارگران و زحمتکشان شهر و روستا هستند. امپریالیسم امریکایی‌داند که خلق‌های تحت ستم دشمنان دیرین او هستند. امپریالیسم سازمان‌های انقلابی را، که در دوره‌ی مبارزات ضد امپریالیستی قهرمانانه چنگیده و ستمها شهید داده‌اند، بهیچ وجه شامد. بنابراین امپریالیسم امریکا برای تحکیم سلسله‌ی خود می‌داند که باید بر سرمایه‌داری وابسته تکیه کند و زمینه‌های سرکوب کارگران و زحمتکشان، و منافع غارتگرانه‌ی سازمان‌های انقلابی آنها را فراهم آورد. این است که گریز کنونی امپریالیسم و این است که راه اصلی که امپریالیسم از طریق آن در جهت تحکیم مواضع خود می‌کوشد، به همین جهت نباید در جستجوی رد پای امپریالیسم بیهوده سردرگم شد. راه امپریالیسم این است که بست نیروی حاکم کنونی، کارگران، زحمتکشان، خلق‌ها و سازمان‌های انقلابی آنها را، که نیروی اصلی و آشتی‌ناپذیر ضد امپریالیستی هستند، سرکوب کند و همین حکومت را به سمت وابستگی کامل سوق دهد. و می‌بینیم که دولت و شورای انقلاب، به نسبت هائی در همین راه گام بر می‌دارند. قانون «دادگاه‌های فوق‌العاده»، «نیروی ویژه» کارخانه‌ها، طرح‌های سازمان یافته برای سرکوبی منطقیه خلق‌ها، راه انداختن دست‌های مسلح و هجوم بی‌وقفی آنان به سازمان‌های انقلابی، که با انواع دروغ، و تهمت از رادیو و تلویزیون دولتی همسرا است، همه وجه همین هدف را دنبال می‌کنند. ۲- بسیاری از جناح‌های دولت و شورای انقلاب و محافظان وابسته به آن اینطور وانمود می‌کنند که امپریالیسم می‌خواهد از راه کودتا این دولت «انقلابی» (۱) را براندازد. آنها حرکات محضرتانه «پس‌مانده‌های رژیم شاه» را بزرگ می‌کنند و فضا را از ابر شخصی از «توطئه‌های ضد انقلاب ابدیته می‌مانند. می گویند از مرزها اسلحه وارد می‌شود. گردستان و ترکمن‌صحرا را کانون توطئه‌ی ضد انقلاب معرفی می‌کنند و سرآخر می‌بینیم بعد از این همه

معرفی کتابهایی که سازمان اخیراً منتشر کرده است



اقتصاد سیاسی ۳

امپریالیسم



اقتصاد سیاسی ۲

۱. ریشه‌ی تاریخی مصلح سرمایه‌داری
۲. سرمایه‌داری

این آثار از جمله آثاری است که توسط هواداران سازمان ما ترجمه و تنظیم گردیده و در اختیار ما قرار گرفته است.

از آنجا که انتشار آثار جنبش کارگری و از پیش جهان می‌تواند به ارائه دانش سیاسی و پیشرو مبارزه انقلابی، در سطح جنبش‌ها و واقع شود، ما با تألیف کوششهایی که در جهت ترجمه اینگونه آثاری می‌شود، اقدام به انتشار آنها و از جمله این آثاری می‌کنیم.

بعضی تألیف تمام مواضع مطرح شده در آثار از طرف سازمان نمی‌باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن ارج نهادن و تشکر از هواداران، در حد امکان خود در پیوند کپی ترجمه این آثاری می‌کوشد و از کاتبان و مترجمان مبارزان کتاب تقاضا دارد که نظرات و پیشنهادها خود را در مورد این آثار بطور کلی به انشازات سازمان، برای ما ارسال دارند.

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

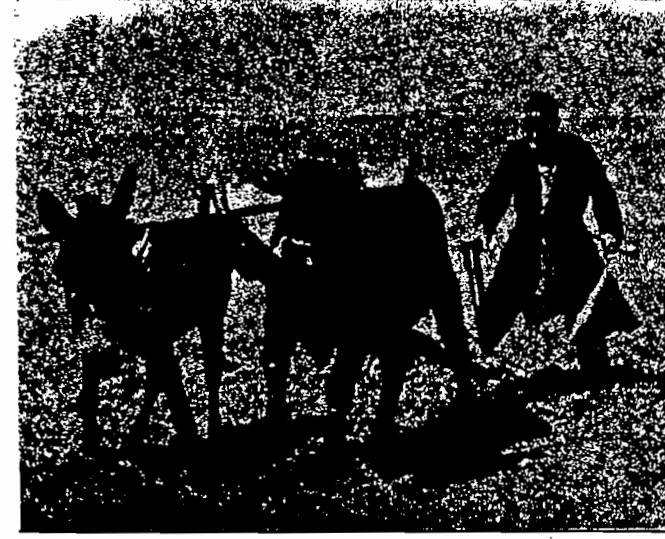
مردم قضاوت کنید که آیا آزادی فعالیت‌های انتخابی تضمین شده است؟

روز یکشنبه ۵۸۵۷۷ بدعت هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران متینگی در آمل برگزار شد. در این متینگی که چندین هزار نفر از اهالی شهرستان آمل و حومه شرکت داشتند تا دکتر فردوس جشدی‌پوروس باری کاندیدی هواداران در مازندران در باره نیش نویسی قانون اساسی سخنرانی کند. اما از همان ابتدای مراسم تعدادی از افراد اخلاک‌گر که ماهیت ضد مردمی آنها برای اهالی شهر روشن است قصد برهم زدن متینگی و دیگری را داشتند. انتظایات و همسرکت کنندگان با شمار درود بردن‌های مرکز اجتماع اخلاک‌گران را از محوطه خارج نمودند اما هنوز چند دقیقه‌ای نگذشت بود که اخلاک‌گران

در حالیکه يك آخوندپیشاپیش آنها حرکت می‌کرد و شمارهای رکیز و زننده می‌دادند، و بانسنگ، آجر و چماق به جمعیت حمله می‌کردند. امام‌رمدما متانت آنها را از محل مراسم دور کردند، اخلاک‌گران در بیرون محل برگزاری متینگی به تخریب عابری پرداختند و شایع کردند که کمیونیت‌ها يك آخوند را مجروح کرده‌اند، اما هوشیاری مردم توطئه‌های آنها را نقش بر آب کرد. در این میان اخلاک‌گران با جمع‌آوری دهها نفر از عناصر ناآگاه که اکثر افراد ۱۵ تا ۱۶ ساله بودند، مجدداً قصد حمله بر مردم داشتند. مردم علی‌رغم این که شدیداً بهشام آمده بودند، قادر بودند که جواب دندان شکنی به این مزدوران مرتجع بدهند، بازم متانت انتخاباتی.

چنگال بی رحم واسطه‌ها بز حلقوم کشاورزان

چنگال بی رحم واسطه‌ها بر حلقوم کشاورزان در رژیم گذشته و باخواران، بانک‌ها و واسطه‌ها دهقانان را مجبور می‌کردند که علاوه بر محصولات خود را در اختیار آنان بگذارند. مثلاً دهقانان مجبور بودند بلافاصله پس از برداشت محصول آرا بفروش برسانند تا بدی سال قبل خود را به بانک‌ها و باخواران بپردازند. در این مرحله چون دولت در جهت منافع سرمایه داران خارجی به وارد کردن محصولات از خارج می‌پرداخت هیچ گونه حمایتی از دهقانان بعمل نمی‌آورد. واسطه‌ها نیز تا آنجا که می‌توانستند محصول را ارزان می‌خریدند و گران به‌صرف کنند می‌فروختند. اینجا نیز مقدار زیادی از حاصل کار دهقانان بجای آنکه به نصیب خود و خانواده، به چیزشان شود به‌جیب دلان واسطه‌ها می‌رفت. بنابراین از یک طرف بانک‌ها و باخواران، از طرف دیگر واسطه‌ها و دلان و ازسوی هم بی‌توجهی عده‌ی دولت، و وزیروز دهقانان همیشه محروم می‌مانان را در شرایط سخت‌تر زندگی قرار می‌دادند (و همچنان نیز می‌دهند) اما اکنون دهقانان می‌خواهند که دست واسطه‌ها کوتاه شود و دولت محصولات را به قیمت عادلانه‌ای از آنها خریداری کند. بدی‌های گذشته و حال آنها را به بانک‌ها و موسسات که عسری حاصل کارشان را به‌جیب صاحبان این بانک‌ها ریخته‌اند نفو کند و... در زیر دوشیر از روستاهای ایران در مورد فشاری که واسطه‌ها و دلان به دهقانان وارد می‌کنند می‌خوانید.



سپاهک - کشاورزان اطراف سپاهک خواستار آنند که هرچه زودتر دست سرمایه داران انگل و دلان از سر آنها کوتاه شود و کشاورزی را بدست بگیرد.

دانش‌آموزان در اعتراض به بسته بودن مدارس در تابستان قطعنامه‌ی صادر کردند: تنها با تلاش و همکاری تمامی دانش‌آموزان است که فرهنگ متعهد و انقلابی زنده می‌گردد

روز چهارشنبه ۲۵ تیر ماه ۵۸ گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان‌های مرجان دختران مرجان پسران، راهنایی مرجان، خوارزمی شماره ۴، نریا، و رجوانده، انوشیروان دادگر آذرشاه ۳، نوربخش، به‌آزین، ۲۲ بهمن فایض، هشت‌رودی و ... در دانشگاه تهران اجتماع کردند و طی دستور قطعنامه‌ای از آموزش و پرورش خواستند که اجازه فعالیت تابستانی در مدارس را به آنها بدهد. در قسمتی از این قطعنامه آمده است: «مگر نه اینکه مدارس در زمان شاه منظور زلندان فرهنگ متعهد و در مقابل، محل تاخت و تاز پوسیدگی فرهنگ استعماری بود و مگر نه اینکه دانش‌آموزان کشورمان به‌همراهی و ستم‌خیزان مردم ستمدیده هم‌پرده شدند تا به‌همراه دهن رژیم گذشته، فرهنگ پوسیده‌اش را نیز دفن کنند؟» و در ادامه آمده است: «در چنین اوضاع و احوالی است که از طرف آموزش و پرورش بخش‌نامه‌ای مبنی بر بستن مدارس در طول تابستان و فعالیت تنها دومدرسه انتخاب شده در هر بخش صادر شده است.» در پایان دانش‌آموزان اعلام داشتند:

تحصن دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام ادامه دارد بندرجیاس - در نشریه شماره ۲۲، خبری داشتیم از تحصن دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام بندرجیاس که از تاریخ ۱۱/۷/۵۸ در محل استانداری این شهرستان تحصن شدند. خواستهای متحصنین بدین شرح است: ۱- تثبیت يك مکان دائمی برای پیشگام. ۲- تضمین شرایط دمکراتیک برای فعالیت کلیه گروه‌های ضد امپریالیستی. ۳- درموقع لزوم، دراختیار قرار دادن مکانی جهت سخنرانی و نمایش فیلم. اما تاکنون این تحصن نه تنها با بی‌توجهی استاندار و دیگر مقامات مسئول مواجه شده، بلکه در این رابطه متحصنین را مورد تهدید نیز قرار داده‌اند. دکتر پیشگام بندرجیاس، طی نامه‌ای به دفتر آیت‌الله طالقانی و مراجع حقوقی و سیاسی و همچنین چند روزنامه، خواستار افشاکری در این مورد شدند.

يك دانشجوی انقلابی و مبارز را از دانشگاه اخراج کردند «کمیته بجای گارد سابق در دانشگاه را بروی مردم بسته است»

کشته برای غشی کردن فعالیت‌های انقلابی دانشجویان دانشگاه از هیچ‌کاری زوی-گردان نبود. ساواک می‌کوشید از فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانشجویان جلوگیری کند. گارد مزدور بداندانشجویان حمله می‌برد و ... دست‌آخیر نیروهای مسلح پلیس و ارتش ضد خلقی، دانشجویان را در دانشگاه‌ها بنواک و خون می‌کشیدند. اما شاید خیلی‌ها ندانند که تنها ۹ ماه پس از قیام حکومتهند خلق، عناصر جودفروخته و سرسپرده امپریالیسم، باوقامت و بی‌شرمی تمام می‌کوشند همان اعمال ارتجاعی و ضد مردمی آریامهری را دوباره در دانشگاه‌ها

میت انجام نهند. یکی از این موارد، فعالیت‌های ضدانقلابی و عناصر مرتجع در دانشگاه علوم کرمانشاهان است. رئیس این دانشگاه که خود عضو انتصابی شورای دانشگاه نیز هست از جمله این اشخاص است. او با اعمال خود نشان داده است که می‌خواهد با تمام قوا از فعالیت‌های سیاسی صنفی دانشجویان این دانشگاه جلوگیری کند. شورای دانشکده که رئیس دانشکده عضو انتصابی آن است یکی از دانشجویان فعال و مبارز را به

دومین جشن گندم در ترکمن صحرا

گند - در شماره ۲۵ گزارشی از نخستین جشن سنتی گندم در روستای کنگور درج کردیم. برگزار شده در این شماره «پوله» جشن گندم که به دعوت شورای دهقانی «پوله» سالیان» برگزار شده در این شماره می‌آوریم. جشن با حضور حدود دوهزار نفر از اهالی «پوله» سالیان» و نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای دورست آغاز شد. آقای ارزانی روحانی مبارز پیرامون اتحاددهقانان و ضرورت تشکیل اتحادیه‌های دهقانی صحبت کرد و خود مختاری را حق مسلم خلق ترکمن و سایر خلق های ایران دانست. در این هنگام جمعیت با شمار «خود مختاری برای ترکمن صحرا - استقلال برای ایران»، گندم‌های وی را مورد تأیید قرار دادند. در این مراسم به توطئه‌های تقای الفکانه زمینداران بزرگ و مرتجعین طرفدار آنها از جمله آتاقلیق نقشبندی اشاره رفت و برای پیشگیری از این سیه‌ها رهنمودهایی ارائه شد. سپس پیام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا قرائت شد. در این پیام ضمن طرح مساله خود مختاری برهمنسگی و اقتصاد زحمتکشان روستایی هم از زایل، بلوغ و ترکمن و همبستگی خلق‌های سراسر ایران تأکید شد و ضرورت تشکیل کلاس‌های هنگی برای

خواستهای سماء کجور

خواست‌های اهالی سماء کجور نوشهر اهالی روستای سماء کجور» چندی پیش خواست‌های خود را اعلام کرده وخواستار اجرای آن شدند. کسب‌وکارها و فارسی‌هایی که این روستائیان خواستار رفع آن شده‌اند همان‌هاییست که غالباً روستائیان زحمتکش ما در نقاط مختلف ایران با آن دست به‌گریزند و کم و بیش برای حل آن دست به‌بلاش زده‌اند. این بلاش دریک جا خیلی خوب پیش رفته و در جای دیگر هنوز قدم‌های اول را برمی‌دارد. همانطور که این صفحه

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



بقیه از صفحه ۸

خاطره‌ی رفقای شهید گرامی باد

خارج شدند. پس از آن بدست یکسال درتیمی به فرماندهی رفیق حسن نوروزی به مبارزه خود ادامه داد در تابستان ۵۱ در بخش دیگری تحت مسئولیت رفیق فضیلت کلام وارد شد و مسئول یکی از تیمها گردید. ولی دیری نپایید که محل تجمع آنها مورد سوء ظن دشمن قرار گرفت، در همانجا بود که رفیق با همزمان با کینه‌ای عمیق نسبت به دشمنان خلق و عشق بی پایان به توده‌های زحمتکش و با ایمان به آرمانهای طبقه کارگر یا خاسته بود.

رفیق شهید حسن نوروزی در باره رفیق فرخ سهری می‌گفت:

«کینه او نسبت به دشمنان طبقاتی مان آنچنان عمیق بود که ایمان دارم حتی اگر رفیق زنده نیز دستگیر می‌شد کوچکترین اطلاعی به دشمن نمی‌داد.»

رفیق فرخ در شرایط بسیار سخت پس از شهادت سال ۵۵ برای حفظ سازمان پیگیرانه تلاش نمود. او می‌گفت «شرط انقلابی راستین بودن ایمان است که در شرایط کنونی نیز بتوانیم برچم مبارزه را برافراشته نگاهداریم و گر نه در شرایط سهل و آسان می‌تواند گویی خود را انقلابی خواند.» او در این راه از هیچ سختی و مشکلی واهمه نداشت و به استقبال سختی‌ها می‌شتافت.

قاطعیت و ایمان او برای همه رفقا آموزنده بود. پادشاه همواره بهما نیرو می‌بخشد.

ما و روشنگر راه ما: رفیق مهدی برای همه در قلب بزرگ طبقه کارگر ایران جاودان خواهد ماند.

چریک فدائی شهید فرخ سهری

رفیق فرخ سهری هنگامیکه حواسه پرشکوه زندگی را آفریده، بیست و یکساله بود. وضع خانواده آنان خوب نبود، او مجبور بود برای تأمین مخارج تحصیل کار کند و بدینسان شغل کار و بی‌مغرب با مردم همجا فقر و ستم و تحقیر توده‌ها را مشاهده و تجربه می‌کرد. رفیق سهری در دوران دبیرستان با دشمنان خلق آشنا می‌گردد. و کینه‌اش نسبت به دشمنان خلق هر روز عمیق‌تر می‌گردد. رفیق فرخ بعد از تحصیل در دبیرستان در دانشکده فنی به ادامه تحصیل پرداخت و در دانشگاه با شرکت علمی در مبارزات صنفی سیاسی، آگاهی خود را با تجربیات علمی غنی‌تر ساخت.

این ایام زندگی رفیق هنرمان بود با آغاز مبارزه مسلحانه ایران و او به اتفاق برادر هم‌رزم و قهرمانش سیروس و رفیق فراموش نشدنی شاهرخ هدایتی یک حبه مارکسیستی پیوسته آورده بودند و قصد داشتند با همان امکانات محدود خودشان دست به مبارزه مسلحانه بزنند و درست همان ایام بود که توانستند با «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» ارتباط برقرار کنند و به سازمان پیوستند و بلافاصله در یک تیم به فعالیت پرداختند.

در ۱۹ شهریور ۵۵ خانه تیمی آنها به محاصره دشمن درآمد. رفیق فرخ به همراه رفیق شاهرخ با چابکی و سلامت از محاصره

سازمانی که شور انقلابی و خستگی‌ناپذیری رفیق مهدی همواره نیرو بخش تمام‌رقفائی بود که با او کار می‌کردند. رفیق در سخت‌ترین شرایط همیشه با لبخندی پرلپرفقا را به تلاش بیشتر و استقامت و پایداری تشویق می‌کرد. رفیق نمونه‌ای از یک فدائی پاکبخته و مؤمن به آرمانهای طبقه کارگر بود و همواره به رفقا می‌گفت: «دخیات رهبران حزب توده و پشت‌کردن آنها، به توده‌ها، تأثیرات بسیار منفی در جامعه بجای گذارده است. ما باید با استقامت و پایداری، با مبارزه پیگیر و قاطع چه در زیر شکنجه‌های جلادان چه در درگیری‌های خیابانی و چه در میدانهای تیر از آرمانهای طبقه کارگر و توده‌ها تا آخرین لحظه حیاتمان، دفاع کنیم و به توده‌ها نشان دهیم که ما مثل رهبران حزب توده، آنها را در لحظات سخت تنها نخواهیم گذاشت و به آنها پشت نخواهیم کرد و به آرمانهایمان پشت‌پنا نخواهیم زد. ما باید نشان دهیم که مرگ را بر سازش و خیانت ترجیح می‌دهیم. ما باید به توده‌ها نشان دهیم که به آنها و آرمانهایمان ایمان داریم و ضامن این ایمان ما خون ما است. ما باید با فدائیکارهایمان لکه تنگ‌خیانت رهبران حزب توده را از دامان مبارزان انقلابی بشوئیم.» رفیق مهدی در هنگام شهادت مسئولیت بخشی از سازمان را بر عهده داشت.

رفیق مهدی یک مبارز آگاه و با تجربه و یک سازماندهی مهربان و خستگی‌ناپذیر بود. گرچه جای او امروز در میان ما غایب است، اما صدقات انقلابی، خستگی‌ناپذیری، قاطعیت، پاکبختی و رهنمودهای همواره الهام‌بخش

هجوم مالکان به روستاهای جیرفت

امروزه در اغلب نقاط روستاهای جیرفت زمینداران و مرتجعین به حال و چنان روستائیان می‌باشند. کشاورزان محروم و زحمتکش که در اثر انتشار وحشیانه مالکان و خانها و سیاست‌های ضد خلقی حکومت نتوانسته‌اند به طور منظم و به موقع زمینهای خود را بکارند و به همین دلیل در فقر و محرومیت و از سرگردانی عمیق به سر می‌برند. با تهدید زمینداران بزرگ و قوت‌مندی بر غصب زمینشان و از سرگردانی عمیق مالکان و هجوم آنها به روستاهای خود مواجه گشته‌اند. روزی روستاهای اطراف اورومیه و کردستان مورد حمله و تخریب زمینداران قرار می‌گیرد و به نهب و غارت مالکانشان در می‌آید و روز دیگر در ترکمن‌سرا مالکان بدستگیر شده می‌باشند.

این احوال وحشیانه زمینداران نه تنها از طرف دولت و کمیته‌ها با اعتراض روبرو نمی‌شود، بلکه اساساً مسئولین دولت و کمیته‌ها در برخورد با زمینداران و اربابان چنانچه با مالکان بدستگیر شده هجوم زمینداران بدستگیر شده و روز دیگر در ترکمن‌سرا مالکان بدستگیر شده می‌باشند.

این احوال وحشیانه زمینداران نه تنها از طرف دولت و کمیته‌ها با اعتراض روبرو نمی‌شود، بلکه اساساً مسئولین دولت و کمیته‌ها در برخورد با زمینداران و اربابان چنانچه با مالکان بدستگیر شده هجوم زمینداران بدستگیر شده و روز دیگر در ترکمن‌سرا مالکان بدستگیر شده می‌باشند.

این احوال وحشیانه زمینداران نه تنها از طرف دولت و کمیته‌ها با اعتراض روبرو نمی‌شود، بلکه اساساً مسئولین دولت و کمیته‌ها در برخورد با زمینداران و اربابان چنانچه با مالکان بدستگیر شده هجوم زمینداران بدستگیر شده و روز دیگر در ترکمن‌سرا مالکان بدستگیر شده می‌باشند.

از ترس انتقام خانواده عبدالحمیدخان به پاسگاه پناهنده می‌شوند.

بعد از کشته شدن عبدالحمیدخان مالکی بستکان وی بنامهای حسین خان، حسن خان و جهانگیرخان مالکی به روستاهای کلاشگرد هجوم برده و چون ده را خالی از سکنه می‌یابند شروع به غارت و چپاول کرده و خانه های روستائیان را آتش می‌زنند. در جریان این یورش ۸۴ خانه به آتش کشیده می‌شود، و تعدادی از احمقان روستائیان محروم و مقداری از محصول زارعین از بین می‌رود. متازن با این چریکات یکی از افراد قریه توسط افراد حسن خان و حسین خان مالکی به گروگان گرفته می‌شود که برای آزادی وی ۲۵۰ هزار تومان مطالبه می‌شود که در آخر بدستگیر شده مجبور به پرداخت نصف مبلغ می‌شود. با کمک اهالی ده مبلغ ۲۵۰ هزار تومان وجه نقد و مبالغ ۳۵ هزار تومان طلا جمع آوری شده و شخص دستگیر شده آزاد می‌شود.

در طی تمامی این وقایع از طرف پاسگاه و کمیته که زیر نفوذ همین خانها است هیچ کنکری به روستائیان نمی‌شود.

متقاضی این وقایع اهالی کلاشگرد به کمیته جیرفت مراجعه می‌کنند و بدست امام نیز اطلاع می‌دهند. اما از آنجا که سرپرست کمیته جیرفت روابط حسنه‌ای با خانهای منطقه دارد، به خواستهای کشاورزان توجهی نمی‌شود. تلاش پیگیرانه اهالی و نماینده آنان برای باز پس گرفتن پول و رسیدگی به خواستهای زمینداران و اقدامات افکارگانه وی منجر به اقدام چنانچه کارخانه دیگری از طرف مالکان می‌شود و وی در تاریخ ۲۹ مرداد ۵۵ در جیرفت هدف گلوله ایادی مرتجعین قرار گرفته و شهید می‌شود.

در طی این وقایع روستائیان بکرات به مقامات مشور و کمیته‌های گوناگون مراجعه می‌کنند ولی تلاش آنها بی نتیجه می‌ماند. کمیته امام جیرفت با اینکه گزارشی دال بر به آتش کشیده شدن روستای کلاشگرد و غارت و چپاول اموال کشاورزان از طرف گروه متعصبان اسلامی جیرفت به آن رسیده است، سرافرازمی‌گردد و از این مالکین مرتجع و خونخوار مبنی بر عدم آزار اهالی کلاشگرد اکتفا می‌کند. سید حسین نورانیان نماینده آیت‌الله صدوقی می‌گوید که بنا بر تقاضای روستائیان جهت تحقیق پیرامون وقایع محصل اهرام شده بود، با اینکه در گزارش خود از آتش‌سوزی، غارت و چپاول یاد می‌کند تنها خواستار استرداد صد هزار تومان باج از جهانگیرخان مالکی می‌شود و در نامه‌های که به زمینداران می‌نویسد اظهار می‌دارد که بزرگترین خدمت را در حق وی کرده است. مقامات دولتی نیز تاکنون هیچ اقدامی جهت رفع ستم از روستائیان بعمل نیاورده‌اند. بسیاری از روستائیان به علت ناامنی‌های مالی و محرومیت به مهاجرت به مناطق دیگر مانند کرمان، بندرعباس و اصفهان شده‌اند و اهالی باقی‌مانده از ترس جان خود حتی چراترقت به پناهنده‌ها می‌گردند. زمینداران با شهادت را ندارند. زمینداران و مزدوران آنها کشاورزی در این منطقه در خطر نابودی است. تفنگ بدستان حسین خان، حسن خان و جهانگیر خان مالکی آزادانه در منطقه رفت و آمد می‌کنند و روستائیان از جانب آنها تهدید به قتل شده‌اند. اهالی روستای درمشور نیز تحت فشارند که روستائیان پناهنده را از خانه خود بیرون برانند. روستائیان کلاشگرد در آخرین پیام خود به مردم مبارز ایران تاریخ ۲۹ مرداد ۵۵ اعلام داشته‌اند که جان و مالشان در خطر است و از پیشگاه ملت ایران دادخواهی کرده‌اند.

در شرایطی که شد انقلابی چون سرایب داران، زمینداران مرتجع، قیاده موقتی‌ها آزادانه به جان و مال کارگران و زحمتکشان میهنمان تجاوز می‌کنند. دولت نه تنها به سرکوبی آنها و حمایت از زمینداران مبادرت نمی‌ورزد، بلکه باز شادیم که سر روی کارگران پارس می‌تواند در زمین آتش‌گشایند و خلقهای کرد، ترکمن و عرب را با عواطف عوام‌فریبانه که در غور تمامی مرتجعین و سرمایه‌داران وابسته و امپریالیزم امریکاست کشتار میکنند.

اقدام دیگری از فعالیتهای ضد کارگری دولت ماهیت مدیر عامل تام‌الاختیار...

تایم کردمان که هیچکس جز خود آنان صلاحیت اداره و سرپرستی شرکت را ندارد. آنان باین دلیل که طی ماههای گذشته و تا قبل از ورود مدیر عامل جدید با کارکرد شورا و تاجیر مدیریت آن توانسته بودند به دستاوردهای بسیار زیادی برسند. با راه‌اندازی و بهینه‌سازی کارخانه‌های پستی برآمدند اما دولت و تمامی مسئولین تاکنون در این زمینه اقدامی نکرده‌اند که کلیه منافع کارگران و کارمندان زحمتکش و محروم قراردادهای شغلی خود را در چشم سرمایه‌داران زانوسفت که هیچ جز غارت بیشتر زحمتکشان ندارند. باین جهت است که دولت حامی سرمایه‌داران تمامی کوشش خود را به کار می‌گذرد که به هر طریق شوراها را کارگران و کارمندان و سایر زحمتکشان را متلاشی کرده و با وارد کردن افراد معلوم‌المصدر سرمایه‌داران را به تصرف بکشاند.

اما با رشد روز افزون آگاهی کارگران و کلیه زحمتکشان در جلوگیری از توطئه‌های از پیش طرح شده اخیراً دولت‌زنان و وزارت کار و به تازگی پیگیرانه وزیر شاد شده آن که ماهیت ضد کارگری‌اش بر کلیه کارگران افشا شده دست به اقدامات ضد کارگران و کارمندان و سایر زحمتکشان در قانون ضد خلقی ۱۳۱۵ که از رژیم شاهنشاهی گرفته شده تقبی سرکوبگرانه خود را در اجتناب و اعتراضات کارگران سرپا اعلام داشته و در جهت جلوگیری از بهرتر شدن و گسترش شوراها کارگران و کارمندان به اقدامات جدیدی متوسل شده‌اند.

اما کارگران و زحمتکشان تمامی این قوانین و اقدامات ضد کارگری را در پیش می‌گیرند و دیگر هیچکس از این اقدامات ضد کارگری نخواهد توانست اثری در مبارزات متشکل و رو به گسترش کارگران و زحمتکشان داشته باشد. کارگران هر چه بیشتر می‌شوند تا صفوف خود را فشرده‌تر کرده و بدین ترتیب شوراها و کمیته‌های واقعی خود به تلاش خستگی‌ناپذیر پرداختند و درین راه با افشای چهره‌های ضد کارگر در دژون موسسات و کارخانه‌ها مانع فریبکاران و توطئه‌گران را از چهره‌های پلشتان برمی‌دارند.

نامه مادر دو فدائی شهید به پیشگاه...

ایران بود زمین تا آسمان تفاوت دارد. وقتی دادگاههای انقلاب به مساجد عناصر رژیم فاسد پهلوی پرداختند این امید در دل همه ریه دوانید که این عوامل پزیری‌اعمال خود خواهند رسیده چنانکه در بسیاری از موارد نیز امید بیهوده‌ای نبود ولی در بسیاری موارد دیگر موازات برض نسبت به مزدوران رژیم قبل مبارزه انقلابی را در محاکمه مساجد قابل پرم کیومرث از مواردی است که امید همه را مبدل به پامی ساخت روز چهارشنبه ۲۷ تیر در جریان محاکمه قابل فرزند در دادگاه انقلاب مشهد حضور یافتم در حالیکه شوق اجرای عدالت اسلامی قلبم را مالامال از هیجان کرده بود ولی دادگاه علاوه بر آنکه بن منجالی محبت نداد با صدور رای غیر عادلانه شوقی در برابر صدقات انقلابی خود علامت شغلی گذاشت که در پاسخ آنرا به ملت شریف ایران واگذار می‌کنم. با آنکه قابل در محضر دادگاه اعتراف نمود که کیومرث به غریبی که او برگردش وارد ساخته تشریح نمودند تنها بدو سال زندان محکوم گردید.

آیا اینست معنای اجرای عدالت اسلامی؟ آیا این پاسخ عادلانه به مادر است که دو فرزندش را در محاکمه استقلال و آزادی ایران نموده، محشرش را از دست داده و شاهد مرگ تندی فرزند دیگرش می‌باشد؟ دادگاهی که نمیتواند ۵ نفر را در جنوب ظرف ۲۴ ساعت بدون آنکه ملت ایران بداند اینهاست چیست تیرباران کند چگونه قابل را که به صلح خود مترقی است بدو سال زندان محکوم میکند؟ آیا افرادی نظیر قابل کیومرث با این صفات خاص از مجازات واقعی معاف نمی‌شوند؟ آیا ارفاق در مورد چنین عناصری مرتبط با بازسازی ساواک نیست؟ من از این رای غیرعادلانه به پیشگاه ملت بزرگ ایران شکایت می‌کنم که آگاهترین و عادلترین قاضی است. آیا اراده ملت ایران در دادگاه انقلاب مشهد حاکم است؟ آیا ملت ایران چنین غیر منصفانه قابل فرزندم را می‌بخشد؟ اگر خواست ملت ایران چنین است من شکوهی ندارم و اگر نیست من از این ملت بزرگ می‌خواهم که احتیاج حقیقت کند من مانده ناچیز عمر را با این امید. سهری خواهم کرد که ملت ایران این امکان را بیابد تا خود قابل کیومرث را محاکمه کند و هرگز دادگاهی را که مبادرت به صدور رای چنین غیر عادلانه و برخلاف موازین اسلام نموده نتوانم ببینم. من از تمام کانونها و سازمانهای مترقی استمداد می‌کنم.

مادر شهیدای فدائی خلق عشایر و کیومرث سهری

نامه مادر دو فدائی شهید به پیشگاه...

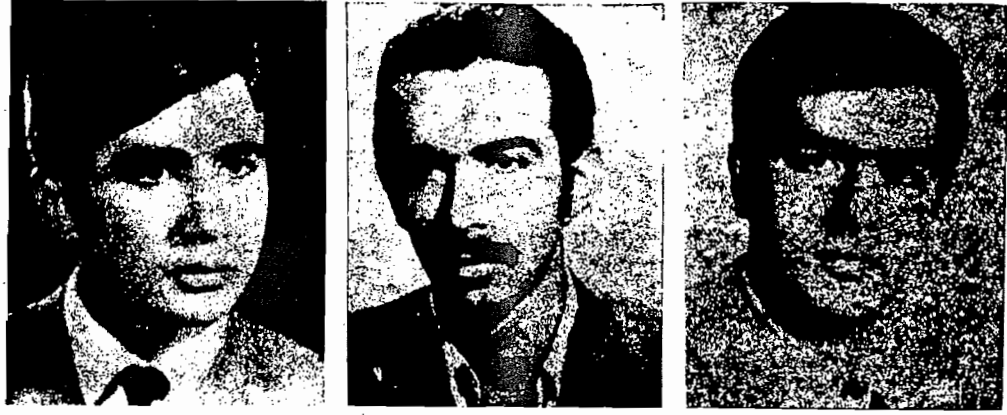
ایران بود زمین تا آسمان تفاوت دارد. وقتی دادگاههای انقلاب به مساجد عناصر رژیم فاسد پهلوی پرداختند این امید در دل همه ریه دوانید که این عوامل پزیری‌اعمال خود خواهند رسیده چنانکه در بسیاری از موارد نیز امید بیهوده‌ای نبود ولی در بسیاری موارد دیگر موازات برض نسبت به مزدوران رژیم قبل مبارزه انقلابی را در محاکمه مساجد قابل پرم کیومرث از مواردی است که امید همه را مبدل به پامی ساخت روز چهارشنبه ۲۷ تیر در جریان محاکمه قابل فرزند در دادگاه انقلاب مشهد حضور یافتم در حالیکه شوق اجرای عدالت اسلامی قلبم را مالامال از هیجان کرده بود ولی دادگاه علاوه بر آنکه بن منجالی محبت نداد با صدور رای غیر عادلانه شوقی در برابر صدقات انقلابی خود علامت شغلی گذاشت که در پاسخ آنرا به ملت شریف ایران واگذار می‌کنم. با آنکه قابل در محضر دادگاه اعتراف نمود که کیومرث به غریبی که او برگردش وارد ساخته تشریح نمودند تنها بدو سال زندان محکوم گردید.

آیا اینست معنای اجرای عدالت اسلامی؟ آیا این پاسخ عادلانه به مادر است که دو فرزندش را در محاکمه استقلال و آزادی ایران نموده، محشرش را از دست داده و شاهد مرگ تندی فرزند دیگرش می‌باشد؟ دادگاهی که نمیتواند ۵ نفر را در جنوب ظرف ۲۴ ساعت بدون آنکه ملت ایران بداند اینهاست چیست تیرباران کند چگونه قابل را که به صلح خود مترقی است بدو سال زندان محکوم میکند؟ آیا افرادی نظیر قابل کیومرث با این صفات خاص از مجازات واقعی معاف نمی‌شوند؟ آیا ارفاق در مورد چنین عناصری مرتبط با بازسازی ساواک نیست؟ من از این رای غیرعادلانه به پیشگاه ملت بزرگ ایران شکایت می‌کنم که آگاهترین و عادلترین قاضی است. آیا اراده ملت ایران در دادگاه انقلاب مشهد حاکم است؟ آیا ملت ایران چنین غیر منصفانه قابل فرزندم را می‌بخشد؟ اگر خواست ملت ایران چنین است من شکوهی ندارم و اگر نیست من از این ملت بزرگ می‌خواهم که احتیاج حقیقت کند من مانده ناچیز عمر را با این امید. سهری خواهم کرد که ملت ایران این امکان را بیابد تا خود قابل کیومرث را محاکمه کند و هرگز دادگاهی را که مبادرت به صدور رای چنین غیر عادلانه و برخلاف موازین اسلام نموده نتوانم ببینم. من از تمام کانونها و سازمانهای مترقی استمداد می‌کنم.

مادر شهیدای فدائی خلق عشایر و کیومرث سهری

ما خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

خاطره رفقای شهید گرامی باد



فدائی شهید فرامرز شریفی

رفیق شهید مهدی فضیلت کلام

رفیق شهید فرخ سپهری

رفیق فرامرز در يك خانواده متوسط بدینا آمد. او از همان دوران کودکی با مسائل سیاسی آشنا شد. او مبارزه سیاسی را از دوران دبیرستان آغاز کرد. او در سالروز مرگ توفیق در سال ۲۶ احتضاری را در دبیرستان که تحصیل میکرد سازمان داد و فعالانه در تظاهرات شرکت نمود. پس از ورود به دانشگاه فعالانه در مبارزات سیاسی و سنی شرکت میکرد و همراه با آن با مطالعه آثار مارکسیستی آگاهی خود را ارتقاء میداد. رفیق فرامرز در سال ۵۵ به سازمان پیوست و پس از مدتی مدتی شد و زندگی خود را به پناه یک انقلابی حرفه‌ای آغاز نمود. رفیق فرامرز تمام استعداد و توانایی خویش را در خدمت به مبارزه و پیشبرد آن بکار گرفت. در اواخر سال ۵۵ رفیق فرامرز که در نقاشی و طراحی بسیار استعداد داشت، آرم سازمان را طرح کرد. رفیق فرامرز همواره با شور و شوق فراوان و با روحیه‌ای عالی تمام وظائف سازمانی خود را بهترین نحو انجام میداد. او همواره این سخن مشهور سعد بهرنگی را زمزمه میکرد که: «درنگ آنانی خیلی ساده میتواند به سرافراز من ساند ولی من تا وقتیکه زندم سراغ مرگ نمیروم رفیق». البته اگر روزی با مرگ روبرو شوم که میشود مهم نیست مهم اینست که مرگ با زندگی من چه تفریق

در زندگی دیگران داشته باشد. رفیق فرامرز فرماندهی تیمی را در بخش تحت مسئولیت رفیق مهدی بهمه داشت. رفیق فرامرز در نامه‌ای که در زمان زندگی مغنی خود برای خانواده اش فرستاد چنین نوشته است: «این راه اصلی زندگی و بزرگترین هدف من است. خوشحالم از اینکه میتوانم در راه انقلاب قهرآمیز خلق ایران عضو يك سازمان پیشاهنگ باشم». رفیق فرامرز در مردانه ۵۱ همراه با مهدی فضیلت کلام و فرخ سپهری در يك درگیری نابرابر با مزدوران ساواک پس از ۵ ساعت نبرد با مندم کسردن تسدادی از نزدوران کتیف ساواک، هنگامیکه حتی آخرین گلوله‌های خود را نثار مزدوران ساواک کرده بود با دردمت داشتن يك نارنجک آسمانه انفجار خود را بمیان دشمنان خلق پرتاب نمود و با از بین بردن عده‌ای از مزدوران زندگی پراختار خود پایان داد. یاد او فداکاریهای همواره در خاطر ما جاودان خواهد ماند.

رفیق مهدی فضیلت کلام در سال ۱۳۴۶ در خانواده‌ای بدینا آمد که اکثر اعضای آن به مبارزه سیاسی روی آوردند و به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوستند. سن از آنها (شیرین، مهدی و انوشه) به شهادت رسیدند و سن دیگر سالها در زندان تحت شکنجه بودند. مهدی از دوران کودکی با رنج و محرومیت تودها آشنا شد و خیلی زود به مبارزه روی آورد. او سراپا شور و تحرک بود. مهدی تنها به مطالعات تئوریک اکتفا نکرد و مدتها در شهرهای مختلف و در رابطه با توده‌ها شناخت خود را از واقعیت‌های جامعه افروخته نمود و در جریان این بررسی واقیتهای موجود، اندیشه صلح مسلحانه در ذهن وی شکل گرفت و از این رو دست به تشکیل گروهی زد که خطمی آن مبارزه مسلحانه بود. چند طرح عملی نیز بهمورد اجرا گذاشت پس از آن با سازمان ارتباط گرفت و به عضویت سازمان درآمد. رفیق مهدی در سال ۵۵ که سازمان شدیداً شریه جوهره بود، پیگیرانه در سازمانی و ترمیم شریات وارده تلاش کرد و با کوشش و تلاش خستگی‌ناپذیر خویش، سهم ارزنده‌ای در ترمیم شریات بهمه داشت. رفیق مهدی با آگاهی عمیق سیاسی و تجربه مبارزاتی و کارهای عملی خود در مدت کوتاهی توانست کادریهای زیادی تربیت نموده و بقیه در صفحه ۷

نامه مادر دو فدائی شهید: به پشگاه ملت بزرگ ایران

چندین روز است که قلبم را اندوه عمیق می‌شکافد. از روزی که دادگاه انقلاب اسلامی مشهد با رای غیر عادلانه خود برزخمهای دلم نلک پاشیده بی‌وقته در این اندیشه‌ام که فرجام انقلاب ایران چیست؟ از خود سؤال میکنم آنچه می‌بینیم حاصل خون پاک دهها هزار شهید است یا سخته‌ای از ناپوشانیه است که امپریالیستها آفرینا نوشته‌اند؟ يك امید بزرگ تمام شهانی را که در سوگ شهادت فرزندانم خنثار و کیومرث تا سبب پیدار میدانم قابل تحمل میساخته آن رسول همزمان او بهفد بینهایت عظیمی بود که آنان را با حیرت به شهادت دعوت میکرد. شهادت در راه آرمانهای خلق کبیر خود، شهادت برای اسماه ریشه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن.

چندین روز است که قلبم را اندوه عمیق می‌شکافد. از روزی که دادگاه انقلاب اسلامی مشهد با رای غیر عادلانه خود برزخمهای دلم نلک پاشیده بی‌وقته در این اندیشه‌ام که فرجام انقلاب ایران چیست؟ از خود سؤال میکنم آنچه می‌بینیم حاصل خون پاک دهها هزار شهید است یا سخته‌ای از ناپوشانیه است که امپریالیستها آفرینا نوشته‌اند؟ يك امید بزرگ تمام شهانی را که در سوگ شهادت فرزندانم خنثار و کیومرث تا سبب پیدار میدانم قابل تحمل میساخته آن رسول همزمان او بهفد بینهایت عظیمی بود که آنان را با حیرت به شهادت دعوت میکرد. شهادت در راه آرمانهای خلق کبیر خود، شهادت برای اسماه ریشه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن.

چندین روز است که قلبم را اندوه عمیق می‌شکافد. از روزی که دادگاه انقلاب اسلامی مشهد با رای غیر عادلانه خود برزخمهای دلم نلک پاشیده بی‌وقته در این اندیشه‌ام که فرجام انقلاب ایران چیست؟ از خود سؤال میکنم آنچه می‌بینیم حاصل خون پاک دهها هزار شهید است یا سخته‌ای از ناپوشانیه است که امپریالیستها آفرینا نوشته‌اند؟ يك امید بزرگ تمام شهانی را که در سوگ شهادت فرزندانم خنثار و کیومرث تا سبب پیدار میدانم قابل تحمل میساخته آن رسول همزمان او بهفد بینهایت عظیمی بود که آنان را با حیرت به شهادت دعوت میکرد. شهادت در راه آرمانهای خلق کبیر خود، شهادت برای اسماه ریشه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن.

اقدام دیگری از فعالیتهای ضد کارگری دولت: ماهیت مدیر عامل تام‌اختیار کشت و صنعت کارون را بشناسیم

شرکت کشت و صنعت کارون که یکی از واحدهای بسیار بزرگ تولیدی در میهنمان بشمار میرود در ۱۸ کیلومتری شوشتر ۵۷۷ کیلومتری دزفول در محلی بنام «دیسجه» واقع شده است. تولید این شرکت عظیم که با سرمایه‌گذاری بسیار هنگفت صورت میگردد فقط نیشکر می باشد. سطح زیرکشت آن ۱۳۰۰۰۰ هکتار است که در حد نهائی می‌باید ۲۵۰۰۰۰ هکتار برسد. تعداد کارکنان شرکت در حدود ۷۰۰۰ تن می‌باشد که از شهرها و روستاهای اطراف هستند و با خانواده‌هایشان در حدود ۲۴۰۰۰ تن میشوند. ترکیب سرمایه این شرکت به‌نصورت‌است که ۴۵ درصد سرمایه گذاری توسط بانک توسعه صنعتی و بانک توسعه کشاورزی و بانک صادرات صورت گرفته است و بقیه بوسیله دولت سرمایه گذاری شده است.

پس از قیام هجده‌ماه گذشته دولت موقت همیشه را مرکب از شخصی باسم مهندس قلی زاده و عده‌ای دیگر برای سرپرستی شرکت فرستاد. از مدتها قبل از ورود مدیر عامل جدید کارکنان تشییع شده بود و جهت پراکندگی جهت اداره و سرپرستی بر کلیه امور از طرف شرکت کارکنان تشییع شده بود و جهت پراکندگی شرکت و کارهای کارخانه و نیز جلوگیری از فعالیت عوامل رژیم سابق در امور شرکت، به فعالیت ادامه میداد و از حمایت کارکنان بر- خوردار بود. شورا طی دوره فعالیت خود و قبل از تعیین مدیر عامل جدید موفق به اخراج عده‌ای از عناصر منفور رژیم سابق از شرکت شد و تعدادی از آنان را با تعیین اتهاماتشان بطور مستند در اختیار کمیته‌های امام قرارداد در زیر جهت توضیح فعالیت‌های شوریای متعصب کارگران و کارمندان کشت و صنعت کارون به‌خلافه‌ای از اقدامات آنان اشاره می‌کنیم: ۱- تماس مستقیم با مسئولین ادارات دولتی و اجراء ناپوشانی جهت رسیدگی فوری به وضع شرکت. ۲- تأمین اعتبار برای پرداخت حقوق و مطالبات و عیدی و پاداش کارگران و کارمندان در سال ۵۷. ۳- تشکیل کمیته‌ها و هیئت‌های سرپرستی در ادارات و قسمتهائی که بهت نبود و وسای صف سرپرست در حال پاشیدگی بود. ۴- جلوگیری از ریخت و پاشی و هرج و مرج و حفظ اموال و تاسیسات شرکت ۵- پیشنهاد تشییع افراد ضد کارگری و مزدوری که وظیفه‌شان خدمت به رژیم سابق و سرمایه‌داران وابسته بود. ۶- رسیدگی به عفو استعاضای راهی کارکنان و راه‌اندازی امور قنی و اجرائی که راکنده مانده بود. ۷- با وجود تمامی فعالیت‌های شورا در جهت حل مسائل و مشکلات شرکت، با ورود قلی‌زاده بقیه در صفحه ۷

ماموران کمیته روزنامه‌ها و کتابهای سازمان را در گاراژ سوزاندند

روز یکشنبه ۷ مردانه، پنج کارکن حاویری تراکت و کتاب مربوط به سازمان که به مقصد آبادان و اهواز ارسال می‌شد در گاراژ لوان تور بوسیله مامورین کمیته مورد بازرسی قرار گرفت. ۳ کارکن حاویری تراکت بوسیله ماموران آتش زده شد و دو کارکن تراکت و کتاب نیز به کمیته منتقل شد. راستی اینان چگونه به مقصد اجازه چنین حرکت خودسرانه‌ای میدهند؟ چگونه ایشان این حرکات حرج و مرج گریزانه را که جز در منطق قلدری نمی‌گنجد بهاین راحتی انجام میدهند؟ آیا این توریسمها تصور می‌کنند با این سوخته‌ها و بگروینده‌ها تمام خطایب و حقایق و واقعیت‌های موجود را در قالب تنگ‌نمایی و خودبینی‌های خود اسیر خواهند کرد؟ اگر چنین بود هرگز تغییر درجهان پدید نمی‌آمد!

فرماندار تهران که انتخابات «مجلس خبرگان» زیر نظر او برگزار می‌شود کیست؟

ایرج تبریزی، فرماندار جدید تهران که چند هفته پیش به این مقام رسید. در زمانیکه بهبهید آرموده (دایی جمنشید آموزگار) استاندار آذربایجان شد به مقام فرمانداری تبریزی رسید. همه می‌دانند که بهبهید آرموده نخواستن عامل اصلی قاجره خوین تبریزی بود و آقای ایرج تبریزی. منتصب ایشان برای فرمانداری تبریزی بودند؛ سبب: مواده به خاطر روابط نزدیک که با آقای ایرج تبریزی (فرماندار فعلی تهران) داشت می‌خواست آقای تبریزی را به مساوت خود برگزیند که پس از وقایع خوین تبریزی مجبور به استعفا شد. ایرج تبریزی در سالهای قبل نیز فرماندار نطقه به شسوار بوده است.

عملیات موفقیت آمیز جبهه پولیساریو

جبهه پولیساریو در دوم مرداد ۵۸ احیاء کردند که شیخون در همین روز در منطقه قولیمین در جنوب تبریزی ۱۲۵ نظامی مراکشی از جمله چندین افسر ارکشته ۲۰۵ نفر دیگر را اسیر و ۳۳ تن را زخمی کرده است بر اساس يك بیانیه که از

مورد سوء ظن ماموران واقع شد و در خیابان معابر در محاصره ماموران شهربانی قرار گرفت. و درست در زمانیکه امکان فرار از محاصره آنان را یافته بود با شریه‌ای که غلامعلی اشترزاده شستری بگردن او وارد کرد نقش زمین شد و چون احساس کرد فرار از محاصره امکان پذیر نیست برای آنکه با گرفتاری خود همزمانش را با خطر مواجه نازد و غلطی در سیر انقلاب ایران پیش نیاید با استفاده از سیانور زندگی‌اش را فدای ملتش کرد.

لزوم اتحاد برای مبارزه با زمینداز

های دیگر جلوی دادگستری انقلاب اسلامی آزاد شدند روستائیان می‌گویند داستان انقلاب اسلامی به جای رسیدگی به عفو است حق روستائیان جانب زمینداران را می‌گیرد.

* بر اثر توطئه زمینداری به نام رحمان آلیا، همه اعضای دهقانی روستای ینطاق توسط پاسداران زندانی شدند که پس از تحسین سرورزه اهالی روستای ینطاق و روستا امروز هم مانند گذشته آمریکائیها بخارت میهن ما میشوند. آنها هنوز هم سرمایه‌های هنگفتی در ایران دارند و سودهای کلانی بجیب می‌زنند. هنوز هم متخصصین، مستشاران و مدیران آمریکائی با حقوقهای کلان در ایران استخدام میشوند.

یک نمونه دیگری از غارتگریهای امریکایی در ایران. در حالیکه حقوق اکثر کارگران ایرانی این شرکت در روز ۳۳ تومان است حقوق ماهیانه یک آمریکائی ۵۸۷۵۴۴ ریال می‌باشد.

امروز هم مانند گذشته آمریکائیها بخارت میهن ما میشوند. آنها هنوز هم سرمایه‌های هنگفتی در ایران دارند و سودهای کلانی بجیب می‌زنند. هنوز هم متخصصین، مستشاران و مدیران آمریکائی با حقوقهای کلان در ایران استخدام میشوند.

نمونه دیگری از

غارتگریهای امریکایی در ایران

IRANO-READING & BATES															SHEET NO. 3 OF 3			
LOCATION: Rig 57															PERIOD ENDING 15/7/79			
IRANIAN EMPLOYEES PAYROLL															از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸			
															از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸			
NO.	NAME	CLASSIFICATION	EMPLOYER'S NO.	EMPLOYEE'S NO.	PROBATIONARY	REMARKS	TOTAL	TRAVEL	FAMILY ALLOW.	HOUSING DISCH. ALLOW.	NET DUE	BANK NO.	NAME	CLASSIFICATION	EMPLOYER'S NO.	EMPLOYEE'S NO.	PROBATIONARY	REMARKS
1	64469	...	28330	587544	125235	72118

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش